



# جامعه شناسی جنایی

استاد :

جناب آقای دکتر مهدوی ثابت

## جامعه‌شناسی جنایی

### فصل اول: کلیات و تعاریف

در این فصل مطالب زیرمورد بحث قرار می‌گیرند:

- پیدایش جامعه‌شناسی

- تعریف جامعه‌شناسی

- اقسام جامعه‌شناسی

- تعریف جامعه‌شناسی کیفری

- جامعه‌شناسی جنایی

### گفتار اول: پیدایش جامعه‌شناسی

به گونه‌ای که می‌دانیم این رشته از علوم انسانی توسط دانشمندی فرانسوی به نام آگوست کنت و فیلسوفی انگلیسی به نام هربرت اسپنسر و تنی چند از اندیشمندان پایه‌گذاری شد. این کنت بود که در سال 1839 جامعه‌شناسی را به عنوان رشته‌ای مستقل اعلام کرد.

کنت معتقد به وجود قوانین عام در باب صیورورت اجتماعی بود و به قاطعیت آنها همانند قوانین موجود در علوم طبیعی اظهار نظر می‌کرد. وی در آغاز تحقیقات خود و با عنایت به همین مطلب اخیر عنوان «فیزیک سماعی» را برگزید و ظاهراً تا جلد چهارم اثر خود به نام «دوره فلسفه تحقیقی» از همین نام استفاده کرده است، تاکنکه فیزیکدان و آمارگر معروف بلژیکی در سال 1835 کتابی به نام «فیزیک اجتماعی» در زمینه بزهکاری و شناختن آن با توسل به داده‌های آماری (که از سال 1826 از سوی وزارت دادگستری فرانسه به طور مرتب و سالانه ارائه می‌شد) منتشر کرد.

اگوست کنت به منظور جلوگیری از هر گونه اشتباهی که ممکن بود رخ دهد و با استعانت از دو واژه لاتینی *societas* و یونانی *logos* که اولی به معنای جامعه و دومی به معنای دانش و شناخت است و از ترکیب آن دو واژه نوین سوسیولوژی *sociologie* یا جامعه‌شناسی را برگزید. در اینجا بیان ابعاد دیدگاه‌های مختلف کنت در ارتباط با این دانش نوین مد نظر نیست همین قدر یادآور شویم که کنت مرحله سوم از حرکت جوامع را مرحله یا عصر تحقیقی نامیده است.

منظور کنت از عصر تحقیقی این است که از این پس تخیل و حتی تعقل تابع مشاهده و تجربه می‌شوند و آدمی به جای خیالبافی به مشاهده و محاسبه می‌پردازد و نتایجی که بدین ترتیب عاید او می‌گردد قطعی و یقینی است. به عبارت دیگر علوم انسانی باید براساس علوم طبیعی سامان یافته و به دقت آن علوم دست یابد.

به نظر کنت امر مثبت دارای پنج صفت است: واقعی بودن، قطعی بودن، سودمند بودن، دقیق بودن و ارگانیک بودن (راتزن‌هوفر) *Ratzenhofer* در مقام تبیین دیدگاه کنت می‌نویسد: «کنت در شمارش حالات سه‌گانه یا سه مرحله در حرکت جوامع، مرحله‌نهایی را اثباتی می‌خواند که در آن روح علمی غالب می‌شود. پیش‌فرضها و خرافات در برخورد با پدیده‌های اجتماعی به دور افکنده می‌شود و شناخت واقعیات از طریق مشاهده و تجربه صورت می‌گیرد.»

شاید بهتر باشد دیدگاه اگوست کنت در ارتباط با مرحله اثباتی را از زبان خود او بشنویم: «... در مرحله اثباتی ذهن بشری که کسب مفاهیم مطلق را ناممکن میداند از جستجوی خاستگاه و مقصد جهان و از شناخت علل درونی نموده‌ها چشم می‌پوشد تا با استفاده از تلفیق مناسب استدلال و مشاهده به کشف قوانین واقعی نموده‌ها یعنی نسبت‌های تغییرناپذیر، تناوب و تشابه بین آنها پردازد. از این پس تبیین پدیده‌ها که بر اثر پیشرفت علم بیش از پیش از تعدادشان کاسته می‌شود نیست.»

با این همه و در نقطه مقابل کنت جامعه‌شناسانی نیز وجود داشته‌اند که هرگونه جستجویی را در زمینه وجود قوانین در جامعه‌شناسی رد کرده‌اند و مسلماً بدون اینکه منکر اهمیت مشاهده و تجربه گردند صرفاً به توصیف ساده امور قابل مشاهده پرداخته‌اند اینان به ویژه بر این عقیده اند که جبرگرایی که ویژگی قانونمندی است به آزادی انسان آسیب می‌رساند عده دیگری از جامعه‌شناسان معتقدند که دستیابی و تبیین قوانین چند در جامعه‌شناسی امکان پذیر است (نظیر قوانینی که رابطه ای ثابت بین چند پدیده را می‌رسانند) چه همه قوانین موضوع آزادی انسان را مطرح نمی‌رساند و به گفته ژان پل سارتر «این قوانین چنان کلی و جزئی نیستند که انسان و سرنوشت او را مورد سؤال قرار دهند».

## گفتار دوم:

در آغاز قرن بیستم جامعه‌شناسان در رابطه با تعریف و تعیین حد و مرز و تشریح دقیق طرز رفتار جامعه‌شناختی با یکدیگر به بحث پرداخته‌اند، اگرچه برخی مانند هانری مندراس با تعریف هر علمی و از جمله جامعه‌شناسی در آغاز آن مخالفت ورزیده می‌نویسد: « آیا فیزیکدانان قرن نوزدهم می‌توانستند مشکلات فیزیک هسته ای که بعدها در قرن بیستم پیدا شد از آغاز تعریف کنند؟» با این همه دانشمندان تعاریف متعددی از جامعه‌شناسی ارائه کرده‌اند.

برخی آن را مطالعه جوامع انسانی به طور کلی و پدیده‌های اجتماعی تام می‌دانند بعضی دیگر زمینه این دانش را گروه‌های اجتماعی و پدیده‌های اجتماعی خاص می‌شناسند، تعدادی معتقدند که جامعه‌شناسی اساساً بر پایه مطالعه ارتباط بین اشخاص و قوانین مربوط به کنترل اجتماعی استوار می‌شود. شاید بتوان گفت: جامعه‌شناسی یک دانش مشاهده‌ای است که به طور دقیق مجموع پدیده‌ها، ساختها، نهادها، گروه‌ها، قدرت‌ها، ارتباط بین نیروها، روابط، کردار و رفتاری را که با زندگی انسان در جامعه پدیدار می‌شوند را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این دانش می‌تواند از روش مقایسه‌ای و با مطالعه هم‌بستگی‌ها، اگر نه به قوانین جهانی، دست کم به تعبیر مجموعه‌هائی در جهت تبیین و تفسیر داده‌ها دست یابد.

### **گفتار سوم: اقسام جامعه‌شناسی:**

باتوجه به تعاریف ارائه شده و ابعاد گسترده پدیده‌هائی که می‌توانند در جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار گیرند امکان شناخت و بررسی موضوعات مختلف برای یک فرد، حتی با توانایی‌های فکری و ذهنی عالی وجود ندارد لذا ناگزیر هر جامعه‌شناسی باید هم خود را صرف شناخت جزئی از زندگی و پدیده‌های محدودی از مجموعه پدیده‌های زندگی جوامع مختلف نماید به همین دلیل است که جامعه‌شناسی به شاخه‌های زیر تقسیم شده است: «جامعه‌شناسی، عمومی، حقوقی، پرورشی، جامعه‌شناسی صنعتی، جامعه‌شناسی هنری، جامعه‌شناسی نظامی و ...»

### **گفتار چهارم: تعریف جامعه‌شناسی کیفی:**

برای جامعه‌شناسی کیفی که یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی حقوقی است نیز تعاریف مختلفی ارائه شده است. از بین این تعاریف به نظر می‌رسد که کامل‌ترین آنها از آقای ریمون گسن باشد:

«جامعه‌شناسی حقوق کیفری و عدالت کیفری بر خلاف جامعه‌شناسی جنایی شاخه جامعه‌شناسی حقوقی است که جنبه‌های مختلف واکنش اجتماعی علیه جنایت را (جرم را) بررسی می‌کند نه به لحاظ هنجارهای حقوقی اما به لحاظ اینکه امور اجتماعی هستند و با روشهای جامعه‌شناسی درخور فهم.»

«جامعه‌شناسی کیفری در مجموع شامل سه بخش است: بخش اول) جامعه‌شناسی حقوق کیفری مطلق که عبارت است از بررسی تجربی قوانین کیفری.

بخش دوم) جامعه‌شناسی کیفر که کیفرها را به مثابه امور اجتماعی تلقی می‌کند، درباره شرایط جامعه‌شناختی ظهور و توسعه کیفرها و نیز درباره آثاری که آنها در جامعه پدید می‌آورند بررسی می‌نمایند.

بخش سوم) جامعه‌شناسی محاکمه کیفری که به مطالعه ارگانهای مختلف عدالت کیفری، وکلا، کارشناسان و... می‌پردازد. که چگونه عمل می‌کنند و نتایج جامعه‌شناختی فعالیت آنان چیست؟»

اکنون که مشخص شد جامعه‌شناسی کیفری به دنیای جامعه‌شناسی حقوق تعلق دارد لازم است از جامعه‌شناسی جنایی نیز که به علت شباهت ظاهری از سوی برخی به همان معنای جامعه‌شناسی کیفری به کار برده می‌شود تعریفی ارائه دهیم اما قبل از آن باید به تفاوت موجود بین جامعه‌شناسی کیفری و جرم‌شناسی اشاره کرد.

### **گفتار پنجم: فرق بین جامعه‌شناسی کیفری و جرم‌شناسی:**

اگر چه برخی از جرم‌شناسان مانند وئن ولتوته، جرم‌شناسان فرانسوی، جامعه‌شناسی واکنش اجتماعی علیه جرم را شاخه‌ای از جرم‌شناسی تلقی می‌کنند ولی همانگونه که آقای گسن یادآور شده: «چه از لحاظ موضوع و چه از لحاظ روش، بین جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی کیفری تفاوت‌های اساسی وجود دارد. موضوع اصلی جرم‌شناسی تعیین عوامل فرایندهای عمل مجرمانه (کنش جنایی) است و حال آنکه

جامعه‌شناسی کیفری جنبه‌های مختلف تجربی واکنش در برابر این کنش را مورد مطالعه قرار می‌دهد». در تأیید این برداشت می‌توان به ویژه به عقیده ژان کربونیه، استاد جامعه‌شناسی حقوق دانشگاه پاریس اشاره کرد. وی می‌نویسد: که جامعه‌شناسی حقوق کیفری پدیده و سرکوبی و مجازات یعنی واکنش جامعه را نسبت به بزه بررسی می‌کند و اساساً با جامعه‌شناسی جنایی که پدیده بزهکاری و دست یازیدن بزهکار به عمل مجرمانه را مورد مطالعه قرار می‌دهد متفاوت است.

### **گفتار ششم: جامعه‌شناسی جنایی:**

نخست تعریف ماکسول و سپس نظر آقای گسن را بررسی می‌کنیم. به عقیده ماکسول «جامعه‌شناسی جنایی تبهکاری را به عنوان پدیده اجتماعی بررسی می‌کند و در پی یافتن شرایطی است که در آن تبهکار به وجود آمده است و هدف آن تعیین ابزارها و وسایلی است که بتوان چنین تولیدی را محدود کرد، دانش مزبور فقط بزهکار اعمالی را که او در جامعه مرتکب می‌شود مورد آزمون و پژوهش قرار می‌دهد».

### **دیدگاه‌های آقای گسن در ارتباط با جایگاه جامعه‌شناسی جنایی:**

آقای گسن در مقام بیان عقیده کسانی که جرم‌شناسی را «مجموعه‌ای از علوم» و نه علم واحد و مستقل می‌دانند و تحت عنوان علوم تشکیل دهنده جرم‌شناسی می‌نویسد: «برای درک بعد دقیق این علوم بهترین روش عبارت از تعقیب موضوع با رعایت نظم تجلی تاریخی آنهاست: زیست‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی و روان‌شناسی جنایی» و پس از بیان توضیحاتی پیرامون زیست‌شناسی جنایی و دیدگاه‌های لومبروزو در زمینه علایم کالبد شناختی و فیزیولوژیک مجرمین به توضیح پیرامون جامعه‌شناسی جنایی پرداخته می‌نویسد «دومین جنبه کنش جنایی «action criminelle» که مورد بحث قرار گرفته جنبه جامعه‌شناختی آن است قبلاً «گری» و «کته» از نیمه اول سده نوزدهم «قوانین» مختلف تبهکاری را به اتکای نخستین آمارهای جنایی به صورت دستور تدوین کرده اند اما بررسی عوامل جامعه‌شناختی جنایت

مخصوصاً بوسیله مکتب فرانسوی محیط اجتماعی سده نوزدهم با تحقیقات «تارد»، «دورکیم»، «لاکاسانی»، و «ژولی»، صورت گرفته است.

«انریکوفری» به نوبه خود بر نقشی که عوامل جامعه‌شناختی در علت شناسی جنایی ایفا کرده‌اند زیاد تأکید کرده است متعاقب آن بررسی جنبه‌های جامعه‌شناختی در نتیجه بخش اعظم رشته تخصصی جرم‌شناسی آمریکای شمالی شده است؛ مؤلفاتی مانند «ساترلند»، «سلین»، «کوهن» و غیره درباره نقش نوآموزی، تعارض فرهنگی و خرده فرهنگ بزهکار در علت شناسی بزهکاری اصرار ورزیده‌اند. از آغاز سالهای 60 به بعد جامعه‌شناسی جنایی جای خود را به «جامعه‌شناسی انحراف» تفویض کرده است که اساساً با مکتب تعامل‌گرا سپس مکتب رادیکال را به سوی بررسی انتقادی واکنش اجتماعی علیه انحراف توجه پیدا کرده است...».

سرانجام در تعریف جامعه‌شناسی جنایی آقای گسن چنین می‌نویسد: «جامعه‌شناسی جنایی پدیده جنایی را به اعتبار پدیده اجتماعی و پدیده جمعیت بررسی می‌کند و به بررسی تبهکاری در مجموعه آن و تجزیه و تحلیل نفوذ اطرافیان خانوادگی و اجتماعی بزهکار و روابطی که بین بزهکار و دیگر اطرافیانش برقرار می‌شود، می‌پردازد.

این جامعه‌شناسی جنایی است که دست به اقداماتی می‌زند تا بزهکار را مجدداً به آغوش جامعه برگرداند و در نتیجه مقامی مناسب با استعداد خود بازابد؛ جامعه‌شناسی جنایی تمایل عظیمی به پیشگیری جنایت در سطح جامعه دارد جامعه‌شناسی جنایی برای اینکه وظیفه خود را کاملاً به انجام برساند متکی به آمار جنایی است که اطلاعات سودمند درباره ساختار و تغییرات تبهکاری برحسب زمان و مکان گرد می‌آورد. جامعه‌شناسی جنایی با داده‌های «قوم‌شناسی» جغرافیای انسانی، علم اقتصادی و در آخرین مرحله با داده‌های «تاریخ اجتماعی» رشد خود را نیرو می‌بخشد. از سوی دیگر تنوع فرهنگها و رفتارهای اجتماعی



برحسب جوامع، مسأله مقایسه را در جرم‌شناسی بر انگیخت و بدین سان «جرم‌شناسی تطبیقی» امروز در اوج ترقی است...».

## فصل دوم: بزهکاری، گستره و شیوه‌های بررسی آن

بزهکاری عبارت از مجموعه جرایمی است که در یک زمان معین در یک محدوده جغرافیائی مشخص اتفاق می‌افتد معمولاً بزهکاری را برای یک سال در داخل یک کشور مورد مطالعه قرار می‌دهند و از طریق مقایسه آن با سالها یا دهه گذشته موفقیت و یا ناکامی سیاست جنایی متخذه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تردید نیست که بزهکاری و عوامل آن در جوامع با تکنولوژی پیشرفته و کشورهای در حال توسعه یکسان نیست (اگر چه شهرنشینی و هجوم روستاییان به مراکز شهری جرایمی از قبیل سرقت به عنف با شکستن حرز، هجوم به افراد در معابر عمومی، فحشا و غیره را به دنبال داشته است لیکن چه از لحاظ سادگی شیوه اجرا در برخی موارد و چه از لحاظ انگیزه، بزهکاری جهان غرب و کشورهای در حال توسعه متفاوتند تبهکاری بر اثر نیازمندی «*criminalite de besoin*» را برخی در مقابل تبهکاری بر اثر انحراف که مخصوص جوامع غربی است قرار داده اند).

با این همه امروزه به ویژه با گسترش جرایم فراملی انواع و اقسام جرایمی بافت می‌شود که ارتکاب آنها همیشه اختصاص به جوامع با ساختار معینی ندارد؛ قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، آدم ربائی، گروگان گیری، خشونت‌های خیابان، قاچاق میراث فرهنگی، تطهیر پولهای پلشت معامله فحشا و امثال آن مرزهای کشورهای مختلف با ساختارهای سیاسی و اقتصادی گوناگون را در نوردیده و به صورت معضلی بین‌المللی توجه سازمانها و نهادهای بین‌المللی به ویژه «کمسیون پیشگیری از ارتکاب جرم و رفتار با

محکومان» را به خود جلب کرده است، به علاوه جرایم سنتی یا به تعبیر گارو فالو «جرایم طبیعی» اختصاص به کشور خاصی ندارد و هر چند از لحاظ کمیت می توانند تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار گیرند لیکن ارتکاب آنها فی نفسه از مشکلات کشورهای مختلفی با آداب و رسوم و تکنولوژی متفاوت است.